

دوراهی شنیدن و نشنیدن

بهرنگ دزفولی زاده:

به تصویر کشیدن اقلیت دغدغه من است

به بهانه اکران «بی صدا حلزون»، گفت‌وگویی با بهرنگ دزفولی زاده کارگردان و محسن کیایی بازیگر فیلم داشته‌ایم که پیش‌روی شماست. **آیا پیش از ساخت فیلم، با مقوله کاشت حلزونی آشنا بودید و تحقیقاتی در این زمینه داشتید و اساسا چه شد که تصمیم گرفتید به این موضوع بپردازید؟**

پیش از ساخت این فیلم، من به طور خاص با مقوله کاشت حلزونی آشنا نبودم اما از آنجا که در زمینه معلولیت‌های مختلف فیلم کوتاه ساخته بودم، کار در این زمینه نیز به نوعی دغدغه من بود. در حقیقت به تصویر کشیدن اقلیت در جامعه، همیشه دغدغه من بوده و هست و هنگامی که فیلمنامه «بی صدا حلزون» را خواندم، احساس کردم از جهان آرام و بی صدای ناشنویان چیز زیادی نمی‌دانم و ماه‌ها در خصوص این موضوع تحقیق کردم. مادر فیلم شاهد دو شخصیت متفاوت به عنوان پدر و مادر هستیم؛ الهام که تا حدی امکان ارتباط با فضای بیرونی و دیگر افراد جامعه را دارد و سعید که کاملا ناشنواست و دواغ نگاهی متفاوتی که نسبت به مقوله کاشت حلزونی دارند. جذابیت درام در واقع بر اساس همین تفاوت‌هاست. در حقیقت اگر هر دوی این شخصیت‌ها شرایط یکسان و طبعانگه مشترکی به این مقوله داشتند، درام ما شکل نمی‌گرفت. الهام مادری است که تا حدی شنیدن را تجربه کرده و می‌خواهد لذت این تجربه را با فرزندش شریک باشد و در مقابل با پدری رو به رو هستیم که هرگز شنوایی را تجربه نکرده و ناشنوایی فرزندش را میراث خود می‌داند. در حقیقت می‌توان گفت تم فیلم، خودخواهی است و تمامی شخصیت‌های فیلم به نوعی دچار این خودخواهی هستند؛ چه الهام که بنا به نوع نگاهش، خوشبختی فرزندش را در شنیدن می‌داند و چه سعید که تلاش می‌کند چنین حقی را از کودکش سلب کند. حتی برادر سعید هم در این خودخواهی سهم دارد زیرا تمایل و همراهی او در انجام جراحی و کاشت حلزونی صرفا برای برادرزاده‌اش نیست. در واقع او تلاش می‌کند تا مهر شاد دست آخر تبدیل به کسی مانند برادرش نشود که نیاز به حمایت عمومی داشته باشد. در این بین تنها شخصیتی که این خودخواهی را درونش نمی‌توان دید، خود این بچه است.

کمی از انتخاب بازیگران و عوامل فیلم بگوید آیا از ابتدا هانیه توسلی و محسن کیایی را برای این دو نقش در نظر داشتید؟

بله، بازیگرانی که در ذهن داشتم دقیقا همان چیزی بود که در نهایت همکاری با آنها شکل گرفت. آنچه که بیش از همه برای من اهمیت داشت این بود که بازیگر بتواند با میمیک صورت و دست‌های بازی کند. در این میان به نظر من، محسن کیایی و هانیه توسلی جزو معدود بازیگرانی هستند که چنین خصوصیتی دارند و من به شخصه بسیار علاقمند بودم که با آنها کار کنم.

البته انتخاب محسن کیایی تا حدی ریسک به نظر می‌رسید. به هر حال انتظاری که مخاطب از محسن کیایی روی پرده دارد، شور و هیجانی است که بخش اعظم آن به کلام و لحن او برمی‌گردد و حالا در «بی صدا حلزون» با نقشی مواجه هستیم که بنا به ماهیتش، اساسا کلام یا دیاالوگی ندارد.

من بر اساس توانایی و قدرت یک بازیگر، نقشی را برایش انتخاب می‌کنم. نوع بازی محسن کیایی همیشه برای من جذابیت داشت. فارغ از بحث بازیگری، محسن کیایی شخصیتی بی‌حاشیه و بسیار دوست‌داشتنی دارد. اتفاقا در فیلم کوتاهی که پیش از «بی صدا حلزون» ساختم، مشتاق بودم با او کار کنم که به دلایلی این اتفاق نیفتاد اما خوشبختانه در «بی صدا حلزون» فرصت این همکاری ایجاد شد. به اعتقاد من محسن کیایی بازیگر جسور و باهوشی است، به همین جهت به نظر آمد که برای این نقش بسیار مناسب خواهد بود. فارغ از این موارد من شخصا اهل ریسک هستم البته همیشه سعی کرده‌ام که این خطر کردن همراه با طمأنینه باشد. من به قدرت و توانایی بازیگران فیلم اعتقاد داشتم و به نظر من همه آنها بازیگران جسور و باهوشی بودند چرا که نقش‌ها، نقش‌های ساده‌ای نبودند و امکان داشت که شخصیت‌ها آنطور که باید در نیایند. در عین حال فیلم و فیلمنامه به شدت لب‌مرز قرار داشت و اگر نقش‌ها به درستی اجرا نمی‌شدند ممکن بود فیلم به یک کمدی ناخواسته تبدیل شود اما حرفه‌ای بودن عوامل نتیجه خوبی را رقم زد.

سیا فرجاد
گفت و گو

«بی صدا حلزون» فیلمی است که حرف دارد. این حرف صرفا به جهت موضوع متفاوتی نیست که به آن پرداخته است؛ حرفایی دارد از جنس آدم‌های جهان امروز. جهانی که حجم خودخواهی آدم‌هایش بیشتر می‌شود. در نگاه اول ممکن است فیلم را اشاره به مقوله‌ای ببینیم که شاید برای خیلی‌ها تازه باشد؛ موضوعی که همه چیز را در راستای شنوایی یا ناشنوا ماندن کودک قصه پیش می‌برد، اما واقعیت این است که در «بی صدا حلزون»، مسئله شنیدن یا شنیدن نیست بلکه آنچه اهمیت دارد یاد واقع بهتر است اهمیت داشته باشد، خواست و انتخاب آدم‌هاست؛ اینکه تمحیلی در کار نباشد، قضایای نباشد تا حکمی صادر شود و در تار و پود روابط میان آدم‌ها، خودخواهی کم‌رنگ شود. بهرنگ دزفولی زاده کارگردان «بی صدا حلزون»، دانش آموخته سینماست اما از آنجا که سال‌ها به عنوان عکاس سینمایی نیز فعالیت داشته، نگاه دقیقی به جزئیات دارد. این توجه به جزئیات حتی در میمیک صورت بازیگران، حرکات دست و نگاه و حتی لحن صحبت‌هایشان، کاملا مشهود است. تفاوت نگاه این فیلمساز را حتی در انتخاب نام و البته موضوعی که در فیلم به آن پرداخته شده است، می‌توان دید. «بی صدا حلزون» شاید به گوش مخاطب کمی ناآشنا برسد اما کمی که از آغاز فیلم می‌گذرد، عنوان فیلم رمزگشایی می‌شود. می‌توان گفت مخاطبی که به تماشای این فیلم می‌نشیند، با تجربه‌ای متفاوت از سینما بیرون می‌آید؛ تجربه جهانی آرام و بی‌صدا؛ گاهی در ستایش شنیدن و گاهی خواستار ماندن در سکوت و آرامش.

